

اسکیس شماره ۸ :



Sisyphus (1548-49) by Titian, Prado Museum, Spain

"نیز سیزیف^۱ را دیدم که دردهای سخت می کشید: با دو بازوی خود سنگ بسیار بزرگی را می راند. دست ها و پاهای خود را به کار می گرفت و آن سنگ را به سوی فراز تپه ای می راند؛ اما چون می رفت از فراز آن بگذرد، آن توده وی را باز پس می کشید؛ دوباره آن سنگ سرکش به سوی دشت می غلتید. نیروهای خود را گرد می آورد، دوباره آن را می راند."^۲

کشاکش میان تفسیر فرآیند خلق اثر هنری، همچنان در جریان؛ تنی چند آن را عملی سیزیفی و در گرو ماهیت درونی و فارغ از چگونگی حصول ثمره خارجی و توجه به آن تلقی نمودند، مادامی که خیل صاحبان نظر در سوی دگر، هستی اش را با سنجش ثمره و حصول فواید بیرونی گره زده و سنجه کردند، چونانکه گروه اول را روندگان پوچ خواندند و سیزیف را قهرمان پوچ نام نهادند: "اکنون فهمیده شد که سیزیف قهرمان پوچ است"^۳



Sisyphus, by Franz von Stuck, 1920

"... می توان تمامی کوشش بدن کشیده شده ای را مجسم کرد که سنگ عظیم را بر کنده، آن را می غلتاند و بدان کمک می کند تا صدفبار با زحمت از شیبی بالا رود؛ چهره منقبضی را مجسم کرد که گونه بر سنگ چسبانده، به یاری شانه، صخره پوشیده از خاک را گرفته، پاها را در پی آن ستون کرده، به دستی آن را نگه می دارد، ... در پایان، این کوشش طولانی و موزون، در فضای بی آسمان و زمان بی عمق به هدف می رسد. آنگاه سیزیف می بیند که سنگ لحظه ای چند به جانب این جهان زیرین نزول می کند، که از آنجا او باید آن را از نو به سوی بالا برد. سیزیف دوباره به سوی دشت پایین می رود. لحظه این برگشت و این توقف است که مرا به سیزیف علاقمند می سازد، ... به جانب شکنجه ای که پایانی برای آن نمی شناسد، پایین میرود."^۴

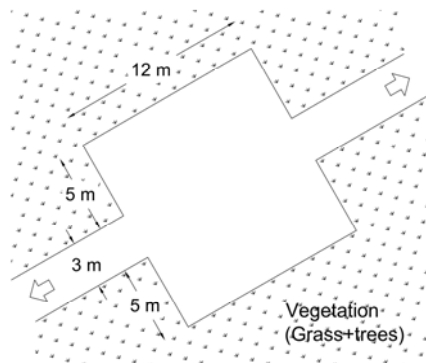
"... این ساعت، لحظه ی آگاهی است، ... اگر این افسانه، غم آور است، بدان جهت است که قهرمان آن آگاه است، ... اگر در هر قدم امید موفقیت با او باشد، شکنجه چه مفهومی برای او خواهد داشت؟، ... هنگام فرود آمدن، او بدین وضعیت خود می اندیشد که وضوح شکنجه او، در یک زمان پیروزی او را نیز در بر دارد."^۵

"همه ی خوشی خاموش سیزیف آنجاست. سرنوشت او، متعلق به خود اوست. تخته سنگ مال اوست."^۶

"تلاش در جهت قله ها، از برای انباشتن یک قلب انسانی کافی است. باید سیزیف را خوشبخت انگاشت."^۷

شاید بسط و شرح آنچه را که روندگان طریق نخست می پیوند را بتوان در آنچه مارتین هیدگر^۸ فرافکنی^۹ می نامد و به ساخت پیش بینی معنا یا پیش ساخت^{۱۰} مبتنی بر فرافکنی در افکنده^{۱۱} هدایت می کند، جستجو کرد.

- Piano sonata no. 2-3rd movement in B-flat minor (The Funeral March), Frederic Chopin
- The Requiem Mass in D minor, Wolfgang Amadeus Mozart
- Symphony no. 3 (Eroica)-2nd movement (Marcia Funebre), Ludwig Van Beethoven
- Piano sonata no. 12-3rd movement in A-flat major (The Funeral March), Ludwig Van Beethoven
- Götterdämmerung-Siegfried's Funeral March, Richard Wagner



موضوع اسکیس: در نظر است پارکی در ناحیه غربی شهر شیراز با مضمون تجسم مفاهیم گوناگون احداث گردد. در گوشه ای از پارک، قطعه ای به منظور نمایش مفهوم مرگ انتخاب گردیده، مطلوب است طراحی فضای مذکور؛ بدیهی است تعریف اجزاء فضا و کاربری ها مطابق آنچه طراح با آزادی کامل لازم می داند صورت می پذیرد. ارائه طرح اسکیس به سایز ۵۰×۳۵ cm (ارائه بایست رسا و گویای جنبه های مختلف طرح، بدون هر گونه ابهام باشد).

۱ Sisyphus، یا همان سیزیفوس، در اساطیر یونان پسر اتول و پادشاه افیر، که به سبب خطایش از سوی زئوس مجازات شد. هومر (۱۳۸۷)، اودیسه، مترجم: سعید نفیسی، انتشارات زوآر، تهران، ص ۱۷۳

۲ آبر کامو (۱۳۸۲)، افسانه سیزیف، مترجمان: علی صدوقی، محمد علی سپانلو و اکبر افسری، نشر دنیای نو، تهران، ص ۱۹۵

۳ همان، ص ۱۹۵

۴ همان، ص ۱۹۶

۵ همان، ص ۱۹۸

۶ همان، ص ۱۹۹

۷ Martin Heidegger ۸

Entwerfen / projet / project ۹

anticipation ۱۰

Projet jete ۱۱